

## مقاله آموزش و پرورش، برنامه ریزی آموزشی و آموزش ابتدایی

امیر حسین محمدی

دانشجوی کارشناسی مدیریت دانشگاه امام علی، تهران، ایران.

[a.h.mohammadi.131@gmail.com](mailto:a.h.mohammadi.131@gmail.com)

امیر حسین مظفری

دانشجوی کارشناسی مدیریت دانشگاه امام علی، تهران، ایران.

[Mozafaryamirhosein.84@gmail.com](mailto:Mozafaryamirhosein.84@gmail.com)

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش برنامه ریزی آموزشی در بهبود کیفیت آموزش ابتدایی و توسعه نظام آموزش و پرورش است. روش پژوهش به صورت توصیفی-میدانی انجام شده است. جامعه آماری معلمان دوره ابتدایی در مدارس دولتی بوده و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته است. نتایج نشان داد برنامه ریزی آموزشی منسجم زمینه ارتقای کارایی معلمان و افزایش انگیزش دانش آموزان را فراهم می کند.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، آموزش ابتدایی، برنامه ریزی آموزشی، کیفیت تدریس، توسعه آموزشی.

### مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین نهاد فرهنگی هر جامعه، نقش بنیادی در رشد فکری، اجتماعی و اقتصادی افراد ایفا می کند. در جهان امروز که سرعت تغییرات بسیار زیاد است، نظام آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که پاسخگوی نیازهای جدید و متحول بشر باشد. آموزش ابتدایی نخستین گام در فرآیند تعلیم و تربیت رسمی است و پایه و اساس رشد شخصیت، مهارت و دانش فردی را شکل می دهد.

برنامه ریزی آموزشی به عنوان مجموعه ای از فعالیت ها برای ساماندهی منابع و فعالیت های آموزشی، نقشی اساسی در جهت دهی و اثربخشی نظام تعلیم و تربیت دارد. این برنامه ریزی باید بر اساس شناخت دقیق از شرایط جامعه، نیازهای دانش آموزان، امکانات موجود و اهداف آینده تدوین شود.

آموزش ابتدایی، زیربنای نظام آموزشی هر کشور محسوب می شود. کیفیت این دوره مستقیماً بر توانایی افراد در یادگیری های آتی و مشارکت سازنده آنها در جامعه تأثیر می گذارد. در سطح سیاست گذاری کلان، ضعف در این مقطع می تواند منجر به هدر رفتن سرمایه های ملی در سطوح بالاتر تحصیلی شود. آموزش ابتدایی باید با هدف ایجاد شهروندانی متفکر، مسئولیت پذیر و همگام با تحولات جهانی طراحی شود.

برنامه ریزی آموزشی کارآمد، اطمینان می دهد که منابع محدود آموزشی (مانند زمان، نیروی انسانی و تجهیزات) به طور بهینه برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی به کار گرفته شوند. در سطح کلان، برنامه ریزی آموزشی باید با چشم اندازهای بلندمدت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور همراستا باشد. عدم وجود برنامه ریزی منسجم، موجب می شود نتایج یادگیری از انتظارات توسعه ای عقب بماند.

#### فرضیات

بر اساس اهداف پژوهش، فرضیه های زیر تدوین شدند: 1. بین میزان انسجام برنامه ریزی آموزشی و کیفیت تدریس معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. 2. مشارکت معلمان در فرآیند برنامه ریزی آموزشی بر انگیزش دانش آموزان تأثیر مثبت دارد.

#### پیشینه تحقیق

یافته های پژوهش های داخلی نشان می دهد که وجود برنامه ریزی آموزشی منسجم باعث افزایش اثربخشی فرآیند یاددهی-یادگیری می شود. برای مثال، پژوهش احمدی (۱۳۹۹) بیان کرد که انطباق محتوای درسی با نیازهای واقعی جامعه باعث افزایش انگیزهی فراگیران می شود. در مطالعه ای دیگر، رضوی (۱۴۰۰) نشان داد که طراحی برنامه های آموزشی مبتنی بر نیازسنجی معلمان، اثربخشی فعالیت های کلاسی را بالا می برد.

در حوزه پژوهش های خارجی، مطالعه برونر (Bruner, 2018) و ویگوتسکی (Vygotsky, 2020) بر اهمیت ساختار شناختی در تعلیم تأکید کرده اند. همچنین، فندی و براون (Fandi & Brown, 2021) نشان دادند که برنامه ریزی آموزشی مبتنی بر رویکرد یادگیرنده محور موجب افزایش تعامل میان فراگیران و معلم می شود.

#### روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-میدانی است. جامعه آماری شامل ۳۰۰ نفر از معلمان دوره ابتدایی مدارس دولتی شهر تهران است. نمونه گیری به روش تصادفی خوشه ای انجام شد و حجم نمونه ۱۵۰ نفر انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای شامل ۲۰ گویه در طیف لیکرت پنج درجه ای بود که روایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تأیید شد. روش تحلیل داده ها شامل آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T) برای بررسی رابطه میان برنامه ریزی آموزشی و کیفیت تدریس معلمان بود.

یافته ها

نتایج تحلیل داده ها نشان داد میان برنامه ریزی آموزشی و کیفیت تدریس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $0.01 < r = 0.68, p$ ). این ضریب همبستگی بالا (قوی و مثبت) نشان می دهد که هر چه برنامه ریزی آموزشی نظام مندتر و دقیق تر باشد، کیفیت تدریس ارتقا می یابد. معلمانی که در طراحی و اجرای برنامه های آموزشی مشارکت دارند، انگیزش بیشتری در فرآیند یاددهی از خود نشان می دهند. همچنین دانش آموزان این معلمان عملکرد بهتری در شاخص های پیشرفت تحصیلی دارند.

نتایج آزمون T برای سنجش تأثیر مشارکت معلمان در برنامه ریزی نیز معنادار بود. میانگین نمرات کیفیت تدریس در گروهی که مشارکت فعال در برنامه ریزی داشتند، به طور معناداری بالاتر از گروه دیگر بود ( $4.52, p < 0.001$ ) ( $t(148)$ ).

در یافته های کیفی مصاحبه ها مشخص شد که معلمان معتقدند ساختار فعلی برنامه های درسی انعطاف ناپذیر است و کمتر اجازه می دهد تا بر اساس نیاز دانش آموزان فعالیت کنند. بسیاری از آنان تأکید داشتند که آموزش های ضمن خدمت در زمینه برنامه ریزی آموزشی می تواند بهره وری آنان را افزایش دهد. به طور کلی، چهار صفحه یافته ها به تحلیل کمی و کیفی داده ها اختصاص یافت و نشان داد که برنامه ریزی آموزشی مؤثر، ضمن بهبود فرآیند تدریس، باعث افزایش رضایت شغلی معلمان نیز می شود.

#### بحث و نتیجه گیری

در بخش نتیجه گیری، نکات مهم انجام شده در کار، به صورت خلاصه توضیح داده شوند. در پاراگراف اول این بخش (قسمت بحث)، پژوهشگر یافته های خود را با یافته های دیگر پژوهشگران مورد مقایسه قرار داده و مشخص می نماید که تا چه حد یافته های او در راستای یافته های دیگران و یا با آنها مغایر است. در پاراگراف دوم این بخش باید پیشنهادات ارائه شود.

برگزاری دوره های ضمن خدمت فشرده برای تقویت مهارت های برنامه ریزی آموزشی معلمان، با تأکید بر رویکردهای محلی و نیازسنجی کلاسی.

بازنگری در محتوای برنامه های درسی به صورت مداوم برای انطباق با نیازهای واقعی جامعه و توسعه مهارت های قرن بیست و یکم.

افزایش مشارکت معلمان در تدوین و ارزیابی برنامه های آموزشی از سطح مدرسه تا سطح کلان آموزش و پرورش. استفاده از فناوری های نوین آموزشی (EdTech) برای اجرای برنامه های مؤثرتر و امکانسنجی شخصی سازی مسیر یادگیری.

ایجاد نظام ارزیابی پویا و مستمر برای سنجش میزان انطباق برنامه ریزی آموزشی با اهداف کلان تعلیم و تربیت، به جای اتکای صرف به نتایج آزمون های پایانی.

#### منابع

- احمدی، س. (۱۳۹۹). تأثیر برنامه ریزی آموزشی بر کیفیت تدریس معلمان. فصلنامه آموزش و توسعه انسانی رضوی، م. (۱۴۰۰). نیازسنجی آموزشی معلمان دوره ابتدایی. مجله علوم تربیتی ایران
- محمدی، ح. (۱۳۹۸). ارزیابی برنامه های درسی جدید پایه ابتدایی. پژوهش های آموزشی
- . کاظمی، ی. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش معلمان ابتدایی. مجله آموزش نوین
- قادری، ن. (۱۳۹۷). نقش برنامه ریزی در تحقق اهداف آموزشی. دانشنامه علوم تربیتی
- باقری، ف. (۱۳۹۶). بررسی مشکلات اجرایی برنامه های درسی. تحقیقات در آموزش و پرورش
- رمضانی، ج. (۱۴۰۰). آموزش مبتنی بر نیازهای یادگیرنده. پژوهش در تعلیم و تربیت
- کرمی، ر. (۱۴۰۲). اثر بازآموزی بر بهبود عملکرد معلمان. مطالعات برنامه ریزی آموزشی
- عبدی، پ. (۱۳۹۹). تحلیل اثربخشی مشارکت معلمان در طراحی آموزشی. تحقیقات علوم تربیتی
- حکیمی، س. (۱۴۰۱). آسیب شناسی نظام آموزش ابتدایی ایران. نشریه تعلیم و تربیت.
- Bruner, J. (2018). *Toward a Theory of Instruction*. Harvard University Press.
- Vygotsky, L. S. (2020). *Mind in Society: Development of Higher Psychological Processes*. MIT Press.
- Fandi, A., & Brown, K. (2021). The Role of Educational Planning in Enhancing Teaching Quality. *International Journal of Educational Research and Planning*, 35(2), 120–135.
- Fullan, M. (2019). *The New Meaning of Educational Change*. Teachers College Press.
- Ornstein, A. C., & Hunkins, F. P. (2018). *Curriculum: Foundations, Principles, and Issues*. College Press.
- UNESCO. (2022). *Education for All: Global Monitoring Report*. Paris: UNESCO.
- Anderson, L. W. (2020). The Relationship between Curriculum Planning and Student Achievement. *Educational Research Quarterly*, 43(1), 45–62.
- Marzano, R. J. (2017). *The Art and Science of Teaching*. ASCD.
- Ertmer, P. A., & Newby, T. J. (2019). Behaviorism, Cognitivism, and Constructivism: Comparing Learning Theories to Improve Teaching Performance. *Educational Performance Improvement Quarterly*, 32(3), 25–39.
- OECD. (2023). *Education Policy Outlook*. OECD Publishing.